

رساله اوتیفرون (دیانت)

افلاطون در رساله اوتیفرون درباره دیانت بحث می‌کند. این رساله گفت‌وگویی است بین سقراط و اوتیفرون. سقراط به دلیل اتهام ملتوس مبنی بر فاسد کردن جوانان از راه ابداع خدایانی غیر از آنچه که مردم پرستش می‌کنند، به محکمه آتن می‌آید و اوتیفرون هم به منظور شکایت از پدرش به اتهام قتل به این محکمه مراجعه می‌کند. اوتیفرون بیان می‌کند که پدر و خویشاوندانش این کار او را خلاف دیانت می‌دانند و معتقد است که آن‌ها نه از دیانت خبر دارند و نه می‌فهمند که دین و تقدس چیست. هنگامی که اوتیفرون خود را فردی صاحب‌نظر در حوزه دیانت می‌داند سقراط از وی می‌خواهد که او را از دیانت و بی‌دینی آگاه کند. اوتیفرون در پاسخ به درخواست سقراط می‌گوید: دیانت در همین کاری است که من الان انجام می‌دهم؛ یعنی تعقیب کسی که مرتکب کار بدی شده حتی اگر مجرم پدر، مادر و یا هر کس دیگر باشد. سقراط می‌گوید من آنچه را که موافق با دیانت است را نمی‌خواهم بلکه به من بگو که آن چیست که هر چه مطابق با آن باشد موافق دین است؛ چرا که تو معتقدی که دیانت و بی‌دینی هر کدام صورت واحدی دارند که هر چه دارای آن صورت باشد موافق یا مخالف دین است. اوتیفرون در پاسخ می‌گوید آنچه که خدایان دوست داشته باشند موافق دیانت است و آنچه غیر از این باشد بی‌دینی است. سقراط از او می‌پرسد که آنچه مطابق دیانت است، چون مطابق دیانت است مقبول خدایان است و یا چون مقبول خدایان است به این علت مطابق دیانت شمرده می‌شود؟ با ابراز عدم درک عبارت بیان شده از جانب اوتیفرون، سقراط با آوردن مثال‌هایی بیان می‌کند که چون یک عمل مطابق دیانت است به این علت محبوب خدایان است. بعد از آن سقراط از اوتیفرون می‌خواهد که ماهیت دیانت را برایش آشکار کند اما او می‌گوید که نمی‌داند چه طور افکارش را برای او بیان کند؛ چون از هر کجا شروع کند بحث دور می‌زند و در یک نقطه ثابت باقی نمی‌ماند. سقراط مجدداً بحث را شروع می‌کند و می‌پرسد خدایان از هدیه‌هایی که به آن‌ها داده می‌شود چه سودی می‌برند؟ پاسخی که او دریافت می‌کند این است این کار وسیله نشان دادن احترام و بدست آوردن دل آن‌هاست. سقراط می‌گوید پس دیانت وسیله بدست آوردن دل خدایان است چیزی که برای آن‌ها مفید یا محبوب باشد. اوتیفرون می‌گوید به عقیده من محبوب آن‌هاست. با این پاسخ، سقراط می‌گوید تو دوباره به همان عقیده اولیه‌ات بازگشتی یعنی گفتمی که دیانت چیزی است که محبوب خدایان است. سقراط از او می‌خواهد برای اینکه مشخص شود دیانت چیست دوباره بحث را شروع کنند اما او می‌گوید بماند برای یک روز دیگر، من کار دارم و باید با عجله بروم. از این رو در این رساله همچون رساله لیزیس بحث نافرجام مانده و به نتیجه قطعی نمی‌رسد.

شهناز شهریاری